ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه • ۲۱ فروردین ۱۳۹۸
۴ شعبان ۱۴۴۰ • ۱۰ آوریل ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۷۰
۱۲۹۳

به مناسبت میلاد علمدار کربلا، معرفی کتابی درباره زندگی عاشقانه یک شهید مدافع حرم

رسم عاشقی در قصه دلبری

پرونده

روایتی جذاب، دقیق، داستان گونه و امروزی از فراز و نشیب زندگی یک شهید مدافع حرم از زبان همسرش، همه ویژگی هایی است که علاقه مندان به کتاب های خاطره نگاری را برای خرید کتاب «قصه دلبری» ترغیب می کند. کتابی که خواندن اولین صفحه‌اش به دلیل داشتن قلمی شیوا و گیرا، شما را تا خواندن آخرین سطرهای کتاب نگه خواهد داشت. در سالروز میلاد حضرت عباس(ع) که بالاترین میزان دفاع از حرم اهل بیت(ع) را به نمایش گذاشت، به سراغ کتاب خاطرات همسر یک شهید مدافع حرم می‌رویم. کتابی که به عنوان هفتمین کتاب برای پویش «کتاب و زندگی» انتخاب شده است و روایت عاشقانه پنج سال زندگی مشترک راوی با شهید محمد خانی است که محمدعلی جعفری آن را به رشته تحریر درآورده است. در این پرونده در کنار خواندن بریده‌هایی جذاب از این کتاب، با پویش «کتاب و زندگی» آشنا خواهید شد و گفت و گویی را با نویسنده این کتاب خواهید خواند.

معرفی کوتاه کتاب «قصه دلبری»

کتاب «قصه دلبری» توسط نشر «روایت فتح» در ۱۱۲ صفحه به چاپ رسیده و روایتی از همسر شهید مدافع حرم «محمدحسین محمدخانی» است. این کتاب با طرح جلد بسیار زیبای خود، خیلی زود مخاطبان زیادی را جذب کرد. نکته جالب این که خود شهید پیش از شهادتش به همسرش گفته بود که دوست دارد کتاب خاطرات اش در قالب «نیمه پنهان ماه» در انتشارات روایت فتح منتشر شود و در همین زمینه روی بعضی خاطرات هم تاکید بیشتری داشته است که حتما همسرش آن‌ها را روایت کند. حجت الاسلام والمسلمین «صداقت» یکی از دوستان صمیمی شهید محمدخانی که نامش بارها در کتاب «قصه دلبری» ذکر شده است، نقطه بارز شهید را عاشقی می‌نامد و می گوید محمدحسین در هر عرصه‌ای که وارد می‌شد، عاشقانه عمل می کرد و همین امر باعث شد تا روز به روز قیمتی‌تر شود تا جایی که پیراهن شهادت بر قامتش نقش بست. از جمله محاسن و ویژگی های جذاب این کتاب می‌توان به جملات کوتاه، داشتن ضرباهنگ، تعلیقات مناسب، همذات پنداری، نثر روان، دلنشین و تاثیر گذار آن اشاره کرد که به خصوص در بخش های ابتدایی کتاب به خوبی و به صورت برجسته دیده می‌شود.

۲ نکته درباره پویش «کتاب و زندگی»

در هفتمین دوره پویش «کتاب و زندگی» کتاب «قصه دلبری» به قلم «محمدعلی جعفری» که دوست شهید بوده، به مسابقه گذاشته شده است. مدتی است مجمع ناشران انقلاب اسلامی با همکاری انتشارات روایت فتح به منظور ترویج فرهنگ مطالعه، پویش کتاب‌خوانی با نام «کتاب و زندگی» ایجاد کرده است که از عید چهل سالگی انقلاب، شروع و تا عید سعید فطر ادامه خواهد داشت. برای شرکت در این پویش و مسابقه، باید نکاتی را بدانید که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

روش‌های تهیه کتاب

کتاب «قصهٔ دلبری» علاوه بر عرضه مستقیم در مراکز فروش، به صورت اینترنتی هم فروخته می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در پویش می‌توانند به سایت www.ketabzendegi.ir یا revayatfath.ir مراجعه و نشانی مراکز فروش کتاب در شهرشان را جست‌وجو کنند یا کتاب را به‌طور آنلاین بخرند. به‌منظور حمایت از منابع ملی، نسخه الکترونیک کتاب نیز در اپلیکیشن طاقچه قرار داده شده است.

قصه های دلبرانه

به بهانه معرفی کتاب «قصه دلبری» در این پرونده، با هم چند بریده کوتاه از این کتاب را می خوانیم تا با سر گرفتن، ادامه یافتن و پایان تراژیک یک زندگی عاشقانه آشنا شویم.

حسرت آن روزها

هر روز به نحوی پیغام می‌فرستاد و می خواست بیاید خواستگاری. جواب سربالا می‌دادم. داخل دانشگاه جلویم سبز شد. خیلی جدی و بی مقدمه پرسید: «چرا هر کی رو می‌فرستم جلو، جوابتون منفیه؟» بدون مکث گفتم: «ما به درد هم نمی‌خوریم!» با اعتماد به نفس صدایش را صاف کرد: «ولی من فکر می کنم خیلی به هم می‌خوریم!» جوابم را کوبیدم توی صورتش: «آدم باید کسی که می‌خواد همراهش بشه، به دلش بشینه!» خنده پیروزمندانه‌ای سر داد، انگار به خواسته‌اش رسیده بود: «یعنی این مسئله حل بشه، مشکل شمام حل میشه؟» جوابی نداشتم. چادرم را زیر چانه محکم چسبیدم و صحنه را خالی کردم. از همان جایی که ایستاده بود، صدا بلند کرد: «ببین! حالا این قدر دست دست می کنی، ولی میاد زمانی که حسرت این روزا رو بخوری!» با این که زیر لب گفتم «چه اعتماد به نفس کاذبی»، تا برسم خانه، مدام این چند کلمه در ذهنم می‌چرخید: «حسرت این روزا!»

اتاق عقد با آینه کاری

وقتی با کت و شلوار دیدمش، پقی زدم زیر خنده. هیچ کس باور نمی کرد این آدم، تن به کت و شلوار بدهد. از بس ذوق مرگ بود، خنده‌ام گرفت. به شوخی بهش گفتم: «شما کت و شلوار پوشیدی یا کت و شلوار شما رو پوشیده؟» در همه عمرش فقط دوبار با کت و شلوار دیدمش: یک بار برای مراسم عقد، یک بار هم برای عروسی. پدرم می خواست بعد از عقد داخل امامزاده، جشنی هم در سالن بگیریم. با چرب زبانی های دخترانه راضی اش کردم. بعد از عقد با شیطنت از او پرسیدم: «چطور شد؟ دیگه گیر نمی دی؟» گفت: «تنها اتاق عقدی بود که آینه کاری داشت!» در و همسایه و دوست و آشنا با تعجب می‌پرسیدند: «حالا چرا امامزاده؟» نداشتیم بین فک و فامیل کسی این قدر ساده دخترش را بفرستد خانه بخت.

مثل پروانه

یک ماه بعد از عقد، جور شد رفتیم حج عمره. سفرمان همزمان شد با ماه رمضان... با کارهایی که محمدحسین انجام می‌داد، باز مثل گاو پیشانی سفید دیده می‌شدیم. از بس برایم وسواس به خرج می‌داد. در طواف، دست هایش را برایم سپر می کرد که به کسی نخورم. با آب و تاب دور و برم را خالی می کرد تا بتوانم حجرالاسود را ببوسم. کمک دست بقیه هم بود، خیلی به زوار سالمند کمک می کرد. یک بار وسط طواف مستحبی، شک کردم چرا همه دارند ما را نگاه می‌کنند. مگر ظاهر یا پوششمان اشکالی دارد؟ یکی از خانم‌های داخل کاروان بعد از غذا، من را کشید کنار و گفت: «صدقه بذار کنار. این جا بین خانما صحبت از تو و شوهرته که مثه پروانه دورت می‌چرخه!»

اول تو قطع کن

دلم می خواست همراهش می‌رفتم تا پای پرواز، اما جلوی همکاراش خجالت می کشیدم. خداحافظی کرد و رفت. دلم نمی‌آمد در را پشت سرش ببندم، نمی خواستم باور کنم که رفت. خنده روی صورتم خشکید. هنوز هیچ چیز نشده، دلم برایش تنگ شد. برای خنده هایش، برای دیوانه بازی هایش، برای گریه هایش، برای روضه خواندن هایش. صدای زنگ موبایلم بلند شد. محمدحسین بود، به نظرم هنوز به نگهبانی شهرک نرسیده بود. تا جواب دادم گفت: «دلم برات تنگ شده!» تا برسد فرودگاه، چند دفعه زنگ زد. حتی پای پرواز که «الان سوار میشم و گوشی رو خاموش می کنم!» می گفت: «می خوام تا لحظه آخر باهات حرف بزنم!»

نماز شکر در لحظه

باخواهرم رفتیم برگه جواب آزمایش را بگیریم، جوابش مثبت بود. می‌دانستم چقدر منتظر است. مأموریت بود. زنگ که زد بهش گفتم. ذوق کرد، می‌خندید. وسط صحبت قطع شد. فکر کردم آنتن رفته یا شارژ گوشی‌اش مشکل پیدا کرده. دوباره زنگ زد، گفت: «قطع کردم برم نماز شکر بخونم!» این قدر شاد و شنگول شده بود که نصف حرف‌هایم را نشنید. انتظارش را می کشید. در مأموریت‌های عراق و سوریه لباس نوزاد خریده بود و در حرم تبرک کرده بود به ضریح.

نویسنده «قصه دلبری» درباره این کتاب می گوید:

عاشقانه ای که افسانه‌ای نیست

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

کتابی خواندنی از خاطرات همسر یک شهید مدافع حرم، خیلی زود و قبل از انتخاب شدن برای هفتمین مرحله پویش «کتاب و زندگی» به چاپ هفتم رسید تا نشان دهنده استقبال عمومی به چاپ آن باشد. به همین دلیل برای دقایقی با «محمدعلی جعفری»، نویسنده این کتاب همکلام شدیم تا توضیحاتی را درباره انگیزه‌اش از نگارش این کتاب بدهد.

اگر بخواهید کتاب «قصه دلبری» را در چند جمله کوتاه توصیف کنید تا مخاطبان برای خواندنش ترغیب شوند، چه خواهید گفت؟

فضای کتاب «قصه دلبری»، زندگی عاشقانه ای مستند است و به هیچ وجه افسانه‌ای نیست. این مهم‌ترین و خاص‌ترین ویژگی این کتاب است. «قصه دلبری»، روایتی از زندگی شخصیتی است که انتهایش به شهادت در سوریه ختم می‌شود. زندگی مشترک این شهید واقعا خاص است و فراز و نشیب‌های خواندنی دارد که آن را تبدیل به یک رمان جذاب کرده است. احتمالا به دلیل همین کشش های داستانی است که هم مخاطب معمولی و هم حرفه‌ای کتاب خوانی را با خودش همراه کرده است.

ظاهرا شما با شهید محمدخانی رفیق بودید؟

من دانشگاه یزد بودم و او دانشگاه آزاد یزد اما چون این دو دانشگاه نزدیک به هم بود، من در برنامه‌های فرهنگی هر دو دانشگاه شرکت می کردم و در همین برنامه‌ها، با او آشنا شدم. شهید محمدخانی مسئول بسیج دانشگاه آزاد بود و مراسم بسیار خوبی برگزار می کرد که من هم شرکت می کردم. در همین رفت و آمدها بود که در دوران دانشجویی با یکدیگر رفیق شدیم و بعد از آن، کم و بیش با هم ارتباط داشتیم و دوبار از دو هم با هم رفتیم که به شناخت بیشتر من از روحیات او منجر شد.

می توانیم ادعا کنیم که همین آشنایی، انگیزه اصلی شما برای نوشتن ۲ کتاب درباره این شهید است؟

من قبل از نوشتن کتاب «عمار حلب» که خاطرات همین شهید است، داستان و رمان می نوشتم اما به سبب آشنایی که با شهید داشتم، خاطرات رفقای شهید، همرزمانش، خانواده و برخی اقوام‌شان را جمع‌آوری کردم که خروجی اش کتاب «عمار حلب» شد. شاید برای‌تان جالب باشد که برای نوشتن این کتاب مصاحبه‌های زیادی گرفتم یعنی با بیش از ۵۰ نفر در تیپ‌های شخصیتی مختلف برای نوشتن خاطرات این کتاب گفت و گو کردم تا کتاب تک بعدی نشود. با این حال، به دلیل دینی که به او داشتم تصمیم گرفتم که کتاب دیگری درباره‌اش بنویسم.

پرداختن به شیوه داستانی برای نوشتن این کتاب انتخاب بسیار خوبی به نظر می‌رسید. قبول دارید؟

هر زمانی که بخواهم آثاری مانند زندگی نامه و از این دست مسائل را کار کنم، به دنبال داستانی کردن آن‌ها هستم. برای این کتاب ابتدا پژوهش های مربوط را انجام دادم سپس با همان نگاه داستانی در مصاحبه‌ها بر بیان جزئیات تاکید کردم. ما بر سر مسئله بیان جزئیات هم خیلی مشکل داشتیم، مثلاً مصاحبه‌شونده گاهی با خودش فکر می کند بیان این که شهید چه رنگ لباسی می‌پوشید یا چه عطری می‌زد، چه فایده‌ای دارد؟ ولی برای مخاطبی که بخواهد آن شخصیت را بشناسد این ها هم برایش شیرین است و هم یک جاهایی شاید برایش سوال پیش بیاید که این آدم در خلوت خودش یا فضای بیرون و... چگونه بوده است؟ به هر حال، شهید محمدخانی هم آدمی بوده که در همین جامعه زندگی می کرده است. بعضی‌ها دوست دارند بدانند این کسی که شهید شده، چگونه شخصیتی داشته است.

از همان اول تصمیم به نوشتن ۲ کتاب درباره شهید داشتید؟

راستش اول نمی خواستم کتاب جداگانه‌ای به جز «عمار حلب» بنویسم اما وقتی خاطرات همسر شهید را شنیدم، دیدم که حق مطلب در یک کتاب ادا نخواهد شد بنابراین همسر شهید از ابتدا در جریان کارهای این کتاب بودند و چندین سری کتاب را به ایشان رساندم که با موافقت ایشان، کار را پیش بردیم و خدا را شکر مخاطبان نیز از آن استقبال کردند.

آگهي دعوت به تجديد ارزيابي كيفي فراخوان عمومي
مناقصه شماره ۳۵-۳۷-۹۷

اداره كل راه آهن خراسان در نظر دارد بنابر آيين نامه اجرايي بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاري مناقصات نسبت به ارزيابي كيفي پيمانكاران واجد شرايط جهت دعوت به مناقصه از طريق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشاني www.setadiran.ir به شرح زير اقدام نمايد. مناقصه گران موظفند براي شركت درمناقصه نسبت به ثبت نام درسايت مذكور و دريافت گواهي امضاء الكترونيكي اقدام نمايند. لازم به ذكر است كليه مراحل برگزاري مناقصه از فراخوان ارزيابي كيفي تا انتخاب برنده از طريق سايت مزبور انجام مي گردد. ۱- نام سازمان مناقصه گزار : اداره كل راه آهن خراسان . ۲- شرح مختصر موضوع مناقصه : بهسازي و نوسازي تاسيسات ايستگاه شهيد مطهري . ۳- مهلت خريد اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۴ روز يكشنبه مورخ ۹۸/۰۱/۲۵ . ۴- شايان ذكراست دريافت اسناد و ارائه پاسخ استعلام ارزيابي صرفا ميبايست ازطريق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)صورت پذيرد و شركت كنندگاني مجاز به خريد حضوري اسناد مي باشند كه قبلا در سامانه مذكور ثبت نام نموده اند
تذكر : خريد اسناد فقط در قبال ارائه رسيد ثبت نام در سامانه صورت مي پذيرد . ۵- محل خريد حضوري اسناد ارزيابي : مشهد - چهارراه راه آهن - حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ واحد امور قراردادها و خريدها .
۶- فراخوان ارزيابي كيفي فوق از طريق پايگاه ملي اطلاع رساني مناقصات http://iets.mporg.ir اطلاع رساني مي گردد. ۷- مهلت و محل ارائه اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۵:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۸/۰۲/۰۹ - چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ دبيرخانه اداره كل راه آهن خراسان . ۸- مبلغ كل برآورد : مبلغ ۵/۰۵۹/۸۶۳/۶۷۷ ريال بر اساس فهرست بهاي ابنيه و تاسيسات مكانيكي و تاسيسات برقي سال ۹۷ . ۹- مدت و محل اجرا : مدت اجرا چهار / ۴ ماه مي باشد كه پنج روز آن به عنوان تجهيز كارگاه بوده و محل اجراء طبق اسناد مناقصه ميباشد. ۱۰- مبلغ تضمين شركت در فرآيند ارجاع كار: مبلغ ۲۵۲/۹۹۳/۱۸۴ (دويست و پنجاه و دو ميليون و نهصد و نود و سه هزار و يكصد و هشتاد و چهار) ريال به صورت : الف) ضمانتنامه بانكي و يا ضمانت نامه صادره از سوي مؤسسات اعتباري غير بانكي كه داراي مجوز فعاليت از سوي بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران باشد ، كه حداقل سه ماه از تاريخ قرائت پيشنهادها اعتبار داشته و قابل تمديد براي حداقل سه ماه ديگر و همچنين ذينفع آن شركت راه آهن جمهوري اسلامي ايران باشد . (طبق نمونه پيوست) ب)واريز وجه نقد به حساب سپرده شماره ۴۰۰۱۰۶۴۰۰۷۱۴۰۰۳۸ خزانه نزد بانك مركزي ج.ا.ا بنام تمركز وجوه سپرده ذيحسابي طرحهاي عمراني راه آهن .پ) اوراق مشاركت بي نام تضمين شده بانك ها و دولت با قابليت باز خريد قبل از سررسيد(موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشاركت) تذكر: به درخواست مناقصه گزار ضمانتنامه شركت در فرآيند ارجاع كار لازم است به مدت سه ماه ديگر قابليت تمديد داشته باشد. ۱۱- رشته و رتبه پيمانكار : داشتن حداقل رتبه ۵ تاسيسات و تجهيزات يا نيرو از سازمان برنامه و بودجه الزامي مي باشد. تذكر ۱ : با توجه به گواهي صلاحيت در رشته و پايه مورد نياز داراي ظرفيت آزاد لازم با توجه به مبلغ برآورد مناقصه باشند. تذكر ۲ : ارائه تصوير برابر با اصل شده گواهي صلاحيت الزامي مي باشد . تذكر ۳ : ارائه گواهينامه تاييد صلاحيت ايمني از وزارت تعاون ،كار و رفاه اجتماعي به موجب آيين نامه ايمني امور پيمانكاري مصوب ۸۹/۰۳/۰۵ وزير تعاون ،كار و رفاه اجتماعي علي الخصوص ماده ۲ آن و دستورالعمل اجرائي آئين نامه ايمني امور پيمانكاري مصوب ۹۷/۰۴/۲۶ شوراي عالي حفاظت فني الزامي است. ۱۲- هزينه دو نوبت آگهي مناقصه بر عهده برنده مناقصه مي باشد . پس از ارزيابي كيفي ، از مناقصه گران واجد شرايط كه حداقل امتياز لازم را كسب نموده باشند جهت دريافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهدآمد.
اداره كل راه آهن خراسان
د/۹۸۰۰۲۹۵۶

کالج زبان ماهان
بزرگترین و مجهزترین مجموعه زبان در کشور
ثبت نام کلاس های مکالمه ترم بهار کودکان، نوجوانان و بزرگسالان
دوره های جدید: فشرده (۶ روز در هفته) - Weekend (آخر هفته ها)
ساختمان مرکزی: هاشمیه ۱۸، نبش عارمی ۱۹ - تلفن: ۳۸۸۱۲۶۴۰
شعبه سجاد (بزرگسالان): بلوار سجاد، نبش بزرگمهر جنوبی ۲۲، پلاک ۲۴۴ - تلفن: ۳۷۶۲۴۱۴۶
شعبه سجاد (کودک و نوجوان): بلوار سجاد، حامد شمالی ۱، پلاک ۲۵ - تلفن: ۳۶۰۴۵۷۲۹
mahan_LC
www.mahancenter.ir
MahanLanguageCollege
د/۹۷۱۶۳۵۷۵